نگاه

شکل حضور زنان در اجتماع

۲۷

چرا زنان باید تمامی بدن به‌جز صورت و دوکف دست را بپوشانند؟

اول زنان از لحاظ ظاهری بـــا هم تفاوت‌های زیادی دارند. اگر قرار باشد که در قانون حجاب میز ا ن ، پوشش متناسب با هر فرد درنظر گرفته شود لازمه‌اش آن است که به تعداد تک تک زنان قانون مستقلی برای کیفیت پوشش وجود داشته باشد که چنین چیزی نه شدنی است و نه مفید است. بنابراین قانون باید به‌صورت یک دستور کلی باشد تا بتواند غرض مورد نظر از وضع قانون را در تمامی افراد چه زیبا چه نازیبا تأمین نماید از این‌رو چون معمولا بدن زن برای مردان زیبا و جذاب است و تحریک و رغبت جنسی را در بینندگان به‌وجود می‌آورد لذا قانون حجاب بر پوشش تمامی بدن زن تعلق گرفته است.

دوم زیبایی و جذابیت امری نسبی و سلیقه‌ای است ممکن است زنی ولو به ظاهر ســـاده و بدون برازندگی‌های خاص جنسی برای فردی ایده‌آل و مطلوب باشد و با آن به التذاذ برسد و همان زن برای دیگری هیچ جاذبه‌ای نداشـــته باشـــد. لذا صرف عدم‌جذابیت نزد گروهی نمی‌توان گفت او هیچ خواستاری ندارد و موجب التذاذ و التهاب غریزی گروه دیگری نمی‌شود.

سوم ریشـــه بســـیاری از این قضاوت‌ها درباره عدم‌جذابیت برخی زنان تفاوت نگاه و ادراکات جنسی در بین دو جنس است. بالاترین تحریک‌پذیری در مردان توسط چشم و بینایی است ولی در زنان اگر چه تحریک بصری هم وجـــود دارد ولی بالاترین تحریک پذیری در سمع و لامسه است یعنی گیرندگی مردان در پیام‌های جنسی بصری قوی‌تر است. همچنین مردان زود برانگیخته می‌شوند و زود هم آتش شهوت‌شان فرو می‌نشیند ولی برانگیخته شدن زنان زمان بر است ولی در عوض دیر هم آتش شهوت‌شـــان فرو می‌نشیند. همین تفاوت‌ها باعث می‌شود تا پوشش و رفتاری که درنظر زنان عادی و غیرجنسی تلقی می‌شود، دارای پیام جنسی و تحریک غریزی برای مردان باشد.

چهارم، براســـاس آنچه تا اینجا گفته شـــد؛ از آنجا که اساس قانون حجاب برای تعدیل غریزه جنسی و برچیدن عوامل تحریک و التهاب جنسی در سطح جامعه است لذا اگر فرضی وجود داشته باشد که هیچ احتمال تحریک و فساد غریزی وجود نداشته باشد در میزان پوشش نیز تخفیف وجود خواهد داشـــت. کما اینکه خداوند در قرآن کریم درباره پوشش زنان سالخورده و فرتوت که دیگر کسی رغبت ازدواج و کامجویی جنسی از آنان را ندارد تخفیف قائل شده است و برداشتن روسری و باز بودن سر و گردن (نه سینه‌ها) را درصورتی که آرایش و زینتی نداشته باشد جایز شمرده است. خداوند در سوره مبارکه نور می‌فرماید: و زنان از کارافتاده و پیری که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آنان نیست که لباس‌های رویین خود را بر زمین بگذارند به‌شرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.

۲۸

اول پیش از هر سخنی باید ابتدا مقصود از حیا روشن شود سپس به این پرسش پاسخ داده شـــود که آیا فرد بی‌حجاب بی‌حیا است یا نه؟

حیا، به حالت انقباض و دوری گزینی نفس انسان از ارتکاب امور زشت و ناشایست گفته می‌شود که در پی توجه به حضور در پیشگاه ناظر محترم ایجاد می‌شود. به‌عبارت روشن‌تر وقتی انسان احساس کند که رفتار او در مقابل یک شخص مهم و مورد احترام است به‌خود اجازه هر کاری را نمی‌دهد. به این حالت درونی که موجب می‌شود تا انسان مرتکب کار زشتی نشود حیا می‌گویند. عنصر کلیدی در حیا، توجه به مقوله نظارت دیده شدن است و هر چه میزان توجه به آن بیشتر باشد میزان حیا نیز بیشتر خواهد شد.

آنچه باید بدان توجه داشت آن است که حیا مراتبی دارد:

گاه انسان احساس حضور در پیشگاه پروردگار خویش دارد لذا حیا می‌کند و کاری که مورد رضایت او نیست انجام نمی‌دهد. گاه؛ انسان به ملائکه الهی که مأمور ثبت اعمال او هستند توجه پیدا می‌کند و حیا می‌کند تا در مقابل آنها مرتکب کار زشتی نشود. گاه انسان از حضرات معصومین که آگاه و ناظر به اعمال او هستند حیا می‌کند. گاه انسان از خودش حیا می‌کند و از اینکه کرامت نفس خویش را با انجام کارهای ناشایست خدشه‌دار کند پرهیز می‌کند. و گاه؛ انسان از مردم پیرامون خود حیا می‌کند و دست به هر کاری نمی‌زند. بنابراین حیا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکارم اخلاقی و ارزش‌های انسانی که سلامت اخلاقی و روانی فرد و اجتماع در گرو پایبندی به آن است و دوری از آن موجب انحطاط و تباهی جامعه می‌شود دارای مراتب مختلفی است.

۲۹

آیا فرد بی‌حجاب، بی‌حیا است؟

باید توجه داشت که نمی‌توان یک حکم کلی داد که هر کس بی‌حجاب اســـت پس به‌طور کامل بی‌حیا نیز است. با توجه به موارد و میزان بی‌حجابی و بی‌عفتی متفاوت است. اگر فردی از عریان شدن کامل ابائی نداشته باشد و به تن فروشی و روسپی گری مبادرت ورزد و از هیچ‌کس و هیچ‌چیز شرم نورزد؛ می‌توان گفت که در او حیا وجود ندارد و او بی‌حیا است. اما اگر فرد بی‌حجابی، فقط پوشش سر و گردن نداشته باشد ولی براســـاس ارزش‌های فطری حاکم بر جامعه و برای زندگی آبرومند در بین مـــردم از هنجارگریزی‌هایی مانند روسپی گری و فحشا بپرهیزد؛ نمی‌توان به او نسبت بی‌حیایی داد زیرا او از حداقل حیا؛ یعنی حیای از مردم برخوردار است ولی قطعا از مراتب دیگر حیا یعنی حیای از خدا، ملائکه معصومین و همینطور از بالاترین، مرتبه حیای از خویشتن محروم است. و یا ممکن است فردی با احساس حضور در پیشگاه خداوند و یا با درنظر گرفتن کرامت و شخصیت خویش نسبت به عمل فحشا حیاورزد ولی به جهت ضعف ایمان و یا عدم‌شناخت کافی از عظمت شخصیت انسانی خود نسبت به اموری مانند اظهار زینت سر و گردن که از قباحت کمتری نسبت به فحشا برخوردار است بی‌تفاوت باشد که در این‌صورت نمی‌توان به او بی‌حیا گفت اگر چه کم حیا بر او صادق است. بنابراین در یک جمع بندی می‌توان گفت اگر چه فرد بی‌حجاب لزوما به‌طور کامل بی‌حیا نیست ولی قطعا از حیای کامل نیز برخوردار نیست و نسبت به فرد با حجاب دچار نقصان است.

۳۰

آیا حجاب در زمان انبیا نیز اجباری بود؟

برخی معتقدند در زمـــان انبیا حجاب اجباری نبوده اســـت. اولا در این رابطه اجماع نیســـت. مثلا به اعتقاد شهید مطهری اساسا دوره‌ای را نمی‌توان نشان داد که به‌طور عمومی شدت حجاب بیش از زمان رسول اکرم باشد. و احتمالا این شدت حجاب بیانگر اهتمام حکومت نبوی در اجرای این دستور الهی است. با این حال استدلال ما اینجا نیست. چون حجاب امری اجتماعی است. احکام اجتماعی و حکومتی عقلا و شرعا جزء اختیارات حاکم است. منحصر به سیره اهل‌بیت نیست و کاملا منطبق با شرایط زمان و مکان است. یعنی یک مسئله می‌تواند در یک دوره‌ای موضوعیت نداشته باشد و در دوره دیگر مسئله آن روز جامعه باشد. مثل اینکه امیرالمومنین مالیات بر اســـب قرار می‌دهند حال آنکه در زمان پیامبر اینطور نبوده اســـت. یا اینکه برخی ائمه در دوره خود خمس را از شیعیان نمی‌گرفتند. پس قانونگذاری برای حجاب جزء اختیارات حاکم است و نیازی به انطباق با دوره زعامت اهل‌بیت ندارد. حجاب می‌تواند در دوره‌ای به جهت اجتماعی سختگیرانه نباشد و در دوره دیگر الزام‌آور باشد.

برداشت‌های اشتباه از حجاب در ایران

نکته‌هایی درباره بدحجابی؛ از گشت‌ارشاد تا سوءاستفاده‌های سیاسی

۳۱

گشت ارشاد تا امروز چه کسی را با حجاب کرده است؟

گشت ارشاد دفاع از حق‌الناس است؛ چیزی فراتر از حق‌الله. حجاب فردی، تکلیف شـــرعی و حق‌الله است ولی وظیفه نظام، دفاع از حق‌الناس است. اشتباه سؤال کننده این است که تصور می‌کند رفتار قهری برای اصلاح بدحجاب است. آن نیز هست ولی اولویت اول نیست. برخورد قهری برای صیانت از جامعه دینی است. قوانین حکومت باید به‌نحوی باشد که نه تنها اهل حجاب احساس غربت نکنند، بلکه فضای اجتماعی نیز به‌خودی خود مشوق آنها باشد. قانونی شدن حجاب یکی از روش‌هایی است که فضای اجتماعی را با خواست درونی اهل حجاب، هماهنگ می‌کند. کسانی که معتقدند حجاب باید اختیاری باشد که هرکس هرطور تمایل داشت به خیابان بیاید احتمالا حاضر نیستند عواقب این حرف‌شان را بپذیرند. اگر حجاب محدودیت نداشته باشد، آنگاه نباید انتظار داشته باشند خانواده به سبک شرقی و اسلامی‌اش حریم و حرمت داشته باشد. رهاسازی جامعه و اباحه گری روی دیگرش روابط نامشروع زن و مرد و به هم خوردن کانون خانواده و... است. آنچنان که امروز در غرب شاهدیم. حجاب اختیاری یک زنجیره است که روی دیگرش ابزاری شدن زن در جامعه است. پای عوارض این زنجیره می‌مانیم؟ پس قهریه صیانت از جامعه‌ای است که قرار است بستر ذکر و معنویت و تدین باشد نه الزاما باحجاب کردن بی‌حجاب. با این توضیح روشن می‌شود که برخورد با بدحجابی ممکن است بر فرد خاصی تأثیر نداشته باشد اما جامعه را امن کرده است. فرض کنید وضعیت امروز را ۲۰سال پیش داشتیم. آیا با افول دینداری مواجه نبودیم؟ تذکر؛ روشن اســـت که از فلســـفه قهریه دفاع می‌کنیم نه رفتارهای غلط و خشونت‌بار. توجه کنیم که از الزام دفاع می‌کنیم نه خشونت. کمربند ایمنی الزام است اما خشونت نیست.

۳۲

آیا حجاب واجب است یا اینکه در ایران اجباری است؟ چون در سایر کشورهای اسلامی چنین قانونی نمی‌بینیم؟

قریب به اتفاق فقها حجاب را جزو ضروریات دین می‌دانند. آیه «قل للمومنات یغضضن....» به تعبیر اکثر مفسرین مانند طبرسی، علامه طباطبایی، مکارم شیرازی و...با این شأن نزول است که چون زنان پیراهنی می‌پوشیدند که گریبانشان باز بوده است، این آیه نازل شده است که باید روسری را طوری ببندند که قسمت‌های یادشده، مو، دور گردن و ... پوشیده شود. بعد از نزول این آیات داریم که عایشه زنان انصار را چنین ستایش می‌کرد که «حتی یک نفر آنان مانند سابق بیرون نیامدند و سر خود را با روسری مشکی می‌پوشاندند.» اما آیا حجاب اجباری است؟ سؤال را باید دقیق کرد. اجبار به چه معنا؟ ما در دین اجبار نداریم. نه در اعتقاد و نه در عمل. پس بدین معنا حجاب اجباری نداریم اما حجاب قانونی داریم. تفاوت این دو در این است که فرد مسلمان می‌تواند نماز نخواند و روزه نگیرد. اما در حجاب ماجرا متفاوت اســـت. حجاب برخلاف نماز و روزه، امری فردی و در خلوت نیست و بروز اجتماعی دارد. یعنی فرد می‌تواند اعتقادی به حجاب نداشته باشد اما به جهت اجتماعی نمی‌تواند خلاف قانون عمل کند. دین اختیاری است. مردم می‌توانند دینی که پذیرفته‌اند را عمل نکنند که البته متضمن آثار اخروی است. اما رفتار آنها نباید منجر به ضرر جامعه شود. لذا شرب خمر در خانه یک حکم دارد و در خیابان متضمن ضرر اجتماعی و یک حکم دیگر. جلوگیری از ضرر جامعه در مقابل آزادی و تعرض فرد، از بینات است و در همه جای عالم نیز همین اصل برقرار است.

۳۳

وقتی به جامعه نگاه می کنیم می‌بینیم که بدحجاب‌تر شده‌ایم؟ آیا دختران ما نسبت به اوایل انقلاب بی‌تفاوت‌تر شده‌اند؟

به‌نظر می‌رسد بدحجابی در جامعه ما بد روایت شده است. این روایت نادرست باعث شـــده واکنش‌ها به بدحجابی عجیب و غریب باشد. یکی فکر می‌کند بدحجابی در ایران سیاسی است و تلاش می‌کند آن‌را به براندازی نزدیک کند و دیگری فکر می‌کند بدحجابی در ایران ناشی از کاهش دین‌ورزی است و تلاش می‌کند اهمیت حجاب را منکر شود.

۳۴

در جست‌وجوی ریشه بدحجابی

گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس نشـــان می‌دهد حدود ۳۰ تا ۴۰درصد جامعه حجاب شرعی دارند. اما بقیه که حجاب شـــرعی ندارند اعتقادشان به حجاب چیست؟ نتایج ۳ پژوهش رسمی سازمان تبلیغات، ارزش‌ها و گرایش ایرانیان وزارت ارشـــاد و کتاب وضعیت‌سنجی پوشش و آرایش ایرانیان، نشان می‌دهد ۹۰درصد جامعه به حجاب شرعی اعتقاد دارند و آن‌را ضروری می‌دانند اما در مصداق حجاب تابع عرفند. این آمار یعنی جامعه نسبت به ضرورت حجاب و جنبه دینی و شرعی آن، کاملا معتقد عمل می‌کند اما در مصداق دچار غفلت است. یعنی بین قرائت شرعی حجاب و قرائت عرفی آن از سر غفلت تفاوت قائل شده است.

حقیقت حجاب چیست؟

برخلاف تصور رایج، حقیقت حجاب صرفا پوشش نیست؛ هرچند پوشش یک ضرورت برای حفظ این حقیقت است. هویت و عمق حجاب، حیا و عفت است. حال باید سؤال کرد که آیا بدحجابی منجر به بی‌حیایی در جامعه شده است؟ پژوهش سازمان تبلیغات نشان می‌دهد ۸۵درصد مردم رعایت حجاب را مانع ارتکاب گناه در جامعه می‌دانند.

۳۵

نتیجه این حرف چیست؟

بدحجابی در جامعه نه منشأ سیاسی دارد و نه منشأ دینی. بدحجابی در ایران می‌تواند منشأ غربزدگی، عرفی‌گرایی، راحتی، زیبایی پسندی و ده‌ها دلیل دیگر داشته باشد.

آیا بدحجابی نشانه بی‌دینی است؟

اگر بدحجابی را سیاسی بدانید باید هر روز بین بدحجاب‌ها با انقلاب فاصله ایجاد شود. البته که شوخی است. برخی رفتارها هم اتفاقا کمک کرده است که اندک آدم‌هایی که روسری‌شان را ابزار براندازی می‌دانند از متـــن مردم جدا شوند.

اما بدحجابی نشانه بی‌دینی هم نیست. اگر اینطور بود باید شاهد کاهش معنویت بانوان در جامعه باشـــیم. حال آنکه برعکس است.

حال با توجه به این نکات آیا می‌توان مدعی شد که با عقب رفتن روسری‌ها معنویت کمتر شده است؟

مسئله این است که ۲خطای کلیدی ممکن اســـت باعث شـــود تحلیل نادرســـتی از جامعـــه زنان‌مان داشـــته باشیم. یک اشتباه در مقایسه نقطه‌ای اســـت و دوم تحلیل ظاهرگرایانه.

خطای تحلیل ایستا

تحلیل نقطه‌ای یعنی مقایسه زنان در ســـال ۹۷ با زنان در سال ۵۷ بدون اینکه شرایط جامعه تحلیل شـــود. اساسا تقوای جامعه را باید در حرکت تحلیل کرد. برای اینکه تقوا را تحلیل کنیم باید شرایط و هجمه دشمن و قدرت شیطان را هم درنظـــر گرفت. تقوا در مسیر حرکت و اجتماعی شدن شکل می‌گیرد نه سر سجاده و در خلوت و انزوا. با این سخن باید سؤال کرد خانم بدحجاب در جامعه امروز با این حجم از هجمه‌های شیطانی چه میزان جلوتر از زنان سال ۵۷ است؟

۳۶

خطای ظاهرگرایانه

اما مهم‌تر، بستری است که جمهوری اسلامی برای رشد و تعالی زن ایجاد کرده است. تحلیل تک‌بعدی و ظاهرگرایانه و متوقف بر پوشـــش باعث می‌شود شـــناخت درستی از زن ایرانی بیان نشـــود. زن امروز را بایـــد با حضورش در فعالیت‌های خیرخواهانه و از خودگذشـــتگی و کمک به کشور و مردم تحلیل کرد. خانم امروز ایرانی را باید جامع دید تا درک درستی از دینداری پیدا کنیم و ظاهرگرایانه با تقلیل پوشش حکم به کاهش دینداری ندهیم. نکته مهم‌تر از همه رشد حجاب است. رشد حجاب، هم کمی است و هم کیفی. این رشد یعنی حجاب پرقدرت. حجاب پرقدرت، حجابی است که از ســـر جهل و میراث خانواده و ... نیست و ابعاد انقلابی پیدا کرده و نشانه یک اعتقاد راستین به مبارزه و جهاد است.

۳۷

حجاب یک امر اختیاری است. بی‌حجاب و باحجاب باید آزاد باشند و مردم باید خودشان انتخاب کنند.

این حرف ظاهر قشـــنگی دارد اما قرائت دیگری از تقابل خشن با دمکراسی است. چرا؟ به دو دلیل.

جهت اول ایستادن مقابل قانون است. قانون کشور حکم می‌کند حجاب رعایت شود. اخیرا یک حرف جدیدی باب شده است که «حجاب قانونه که باشه؛ قانون غلط چرا باید اجرا بشه؟» پاسخ این است که فرض کنیم غلط باشد، اشکال قانون را نمی‌توان با بی‌قانونی حل کرد. اصلاح قانون باید قانونی رفع شود. مثل اینکه کسی بگوید من چراغ قرمز را قبول ندارم و از چهارراه رد شود. همه‌چیز دست خود مردم است. تلاش کنند جریانی رأی بیاورد که فلان قانون را اصلاح کنند. عبور از چراغ قرمز فقط قانون شکنی نیست، تعرض به حقوق مردم است. ممکن است بگویند «مگه زمان رضاخان قانون کشف حجاب نبود؟ پس چرا مقابله کردید؟» پاسخ خیلی روشن است. از قانون مهم‌تر چیست؟ اراده مردم. اراده این مردم اسلام است. طبیعی است که اگر حکومتی خلاف اسلام قانون تعیین کند، تاب نیاورند. سخن سر اراده اکثریت مردم است. همه‌چیز مردمند. قانون حجاب با قانون کشف حجاب یک تفاوت عمیق و البته ساده دارد. قانون کشف حجاب قانون برآمده از دیکتاتوری بود ولی قانون حجاب برآمده از اراده مردم است. رضاخان با دیکتاتوری مقابل دین مردم ایســـتاد، مردم هم ایستادند. معمولا به اینجا که می‌رسیم گفته می‌شود حجاب اختیاری اســـت. موسی به دین خود و عیسی به دین خود. حرف قشنگی است ولی یک دیکتاتوری عمیق درونش نهفته است. این حرف ایستادن مقابل اکثریت است. چرا؟ چون فارغ از تقابل قانونی، یک حرف مهم‌تری وجود دارد و آن تقابل با دمکراسی و جمهوریت است. تقابل با مردم است. ایستادن مقابل اراده دینی مردم اســـت. کشف حجاب تعرض به حقوق اکثریت است که فراتر از تعرض به قانون است. هر چند دقیق‌تر که توجه کنیم تعدی به قانون همان تجاوز به حقوق اکثریت است. چرا؟ چرا تعرض و دست‌درازی است؟ چرایی را درست ببینید؛ اینطور وانمود می‌کنند که مخالفت با کشف حجاب به جهت تحریک مردهاست. می‌گویند «خب مردها تحریک نشوند.» این حرف برای تنزل دادن مسئله است. البته قواعد طبیعی و غریزی سرجای خودش قرار دارد و دستوری نیست، ولی علت اصلی این دست مسائل نیست. اینکه گفته می‌شود کشف حجاب تعرض به حقوق اکثریت اســـت به جهت این است که شرایط برای دینداری سخت می‌شود. چرا اکثریت باید به مشقت بیفتند که عده‌ای می‌خواهند مقابل اراده دینی مردم باشند؟ مثلا نگاه به موی زن نامحرم، بدون تحریک هم حرام است. یعنی حجاب اختیاری یک نفر، مشقت است برای دیگری. اما ماجرا از این نیز فراتر است. شهری که قرار است محیط دین‌ورزی و بستر معنویت برای جامعه باشد مستعد بی‌اخلاقی می‌شود. اصل ماجرا اینجاست. شهری که در ظاهر به معصیت گرفتار شد، مضاعف مستعد آلوده شدن است. جامعه هم مثل نفس آدم عمل می‌کند. وظیفه یک حکومت ساخت بستری است که مهیای دینداری باشد نه مروج بداخلاقی. اینجاست که تعرض به حقوق اکثریت است.

۳۸

اگر قانون حجاب را نخواهیم چه باید کرد؟ مشروعیت این قانون از کجاست؟

اگر بحث درون دینی نکنیم با منطق دمکراسی و حقوق بشری نیز، قانون مشروعیتش را از رعایت مصلحت اکثریت می‌گیرد. یعنی اقلیت به حکم اخلاق و عقل لازم است حق اکثریت را رعایت کنند. قانون حجاب بر مبنای مصلحت مسلمین نوشته شده است. می‌گویند چه کسی گفته طرفداران حجاب اکثریتند؟ رفراندوم بگذاریم. از رفراندوم هراسی نیست. اما منطق این بحث ایراد دارد. انتخاب دین اختیاری است اما انتخاب اجزای دین اختیاری نیست. یعنی یک جامعه می‌توانند اسلام را با رأی کنار بگذارند و البته در قیامت حساب پس می‌دهند اما اجزای دین را نمی‌شود به رأی گذاشت. انتخاب ملت ایران نیز اسلام است. مهم‌ترین شاهد نیز رفراندوم ابتدای انقلاب است که به اسلام در قالب مدل اجرایی جمهوری اسلامی رأی دادند.

۳۹

ممکن اســـت بگویند آن رأی پدران ما بود و ما قبول نداریم. تکلیف چیست؟

پاسخ به این شـــبهه دو وجه دارد. سلبی و ایجابی. بخش ایجابی‌اش این است که رفراندوم با انتخابات‌ها و مشارکت سیاسی مردم در طول انقلاب بارها تمدید شده است. یعنی اینطور نیست که یک‌بار رفراندوم برگزار شده باشد و تمام. اما وجه سلبی‌اش این است که اگر شخصی فردای رفراندوم جدید گفت من این را هم قبول ندارم و باید مجددا رفراندوم شود تکلیف چیست؟ این دور باطل است و پایانی ندارد.

۴۰

چرا می‌گویید ترویج بی‌حجابی پروژه دشمن و هدف از کشف حجاب براندازی نظام است؟

ما پیش‌تر نیز با پدیده بی‌حجابی مواجه بودیم. اما بدحجابی در تاریخ جمهوری اسلامی اگرچه یک نقص محسوب می‌شود اما برآمده از بی‌حیایی و خدای ناکرده بی‌عفتی نیست. برآمده از غرب پسندی‌های عرفی‌گرایانه است. به همین دلیل است که رهبر انقلاب تأکید داشتند بدحجابی یک نقص است اما معیار نهایی برای قضاوت افراد نیست. چه بسا دختران بدحجابی که هم انقلابی‌اند و هم اهل معنویت؛ هرچند گرفتار این خطا.

نکته

شبهه عادی‌شدن بی‌حجابی

اگر زن‌ها حجاب نداشته باشند بعد از مدتی بی‌حجابی عادی می‌شود، مانند کشورهای غربی. بنابراین، نگاه مردها هم عادی و بدون قصد ریبه می‌شود.

در جواب باید گفت که آنچه خداوند به آن دستور داده، پوشش در برابر نامحرمان است و آنچه از آن نهی کرده، نگاه به نامحرمان است. رعایت‌نکردن این امرونهی، نافرمانی و مصداق گناه است و عقوبت را به‌دنبال خواهد داشـــت چه بی‌حجابی و نگاه به نامحرم، عادی شود چه نشود. همچنین چگونه می‌توان تضمین کرد که با رواج بی‌حجابی قوه شهوانی کنترل می‌شود؛ زیرا قوه شهوانی از قوایی است که سیرشدنی نیســـت و اگر چنین بود، می‌بایست تجاوز و بی‌عفتی در کشـــورهای بی‌حجاب دیده نشود، درحالی که چنین نیست. منظور از اینکه نگاه عادی می‌شود، چیست؟ ممکن نیست که مرد از دیدن زنی با بدن نیمه‌برهنه لذت نبرد، چون غریزه شهوت همیشه همراه انسان است. دستورات اسلام بیشتر جنبه پیشگیری از گناه دارد. بنابراین، به زن‌ها دســـتور پوشش و به مردها دستور نگاه‌نکردن را می‌دهد. کســـی که نگاه نمی‌کند، دچار مرض‌های روحی بعدی نمی‌شود.

فلسفه عفت و پاکدامنی و فلسفه حجاب و پوشش اسمی چیز مکتوم و پنهانی نیســـت زیرا برهنگی زنان که طبعا پیامدهایی همچون آرایش و عشـــوه‌گری و امثال آن را همـــراه دارد، مردان مخصوصا جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجـــاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌شود، مگر اعصاب انسان چقدر می‌تواند بار هیجان را بر خود حمل کند، مگر همه پزشکان روانی نمی‌گویند هیجان مستمر عامل بیماری اســـت. مخصوصا توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حـــوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده، تا آنجا که گفته‌اند هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان است. آیا دامن‌زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه‌ای است! اســـلام می‌خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوشـــی پاک داشته باشند، و این یکی از فلسفه‌های حجاب اســـت. آمارهای قطعی و مستند نشـــان می‌دهد که با افزایش آزادی‌های افسارگسیخته در جهان آمار طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشـــویی در دنیا و در ایران خودمان به‌طور مداوم بالا رفته اســـت؛ چراکه «هر چه دیده بیند، دل کند یاد» و هرچه «دل» در اینجا یعنی هوس‌های سرکشـــی بخواهد به هر قیمتی باشد به‌دنبال آن می‌رود، و به‌این ترتیب هرروز دل به دلبری می‌بندد و با دیگـــری وداع می‌گوید. در محیطی که حجاب است و عفت و پاکدامنی دو همسر تعلق به یکدیگر دارند و احساسات و عشقشان مخصوص یکدیگر است ولی در «بازار آزاد برهنگی و عریانی» که عملا زنان به‌صورت کالای مشترکی (لااقل در مرحله غیرآمیزش جنسی) درآمده‌اند، دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها همچون تار عنکبوت از هم پاشیده می‌شوند و کودکان بی‌سرپرست می‌مانند.

گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌عفتی و بی‌حجابی اســـت که فکر می‌کنیم نیازی به ارقام و آمار نـــدارد و دلایل آن بخصوص در جوامع غربی کاملا نمایان است آنقدر عیان است که حاجتی به بیان ندارد. نمی‌گوییم عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع منحصرا بی‌حجابی است، نمی‌گوییم مسائل استعمار و مسائل سیاسی مخرب در آن مؤثر نیست بلکه می‌گوییم یکی از عوامل مؤثر آن مسئله بدحجابی و بد بیرون آمدن است. هنگامی که می‌شنویم در انگلستان، در هر سال طبق آمار پانصد هزار نوزاد نامشروع به دنیا می‌آید، و هنگامی که می‌شنویم جمعی از دانشمندان انگلیس در این رابطه به مقامات آن کشور اعلام‌خطر کرده‌اند، نه به‌خاطر مسائل اخلاقی و مذهبی بلکه به‌خاطر خطراتی که فرزندان نامشروع برای امنیت جامعه به‌وجود آورده‌اند به گونه‌ای که در بسیاری از پرونده‌های جنایی پای آنها در میان اســـت به اهمیت این مسئله کاملا پی می‌بریم که مسئله گسترش فحشا حتی برای آنها که هیچ اهمیتی برای مذهب و برنامه‌های اخلاقی قائـــل نیستند فاجعه‌آفرین است و لذا باید به‌هوش بود و دسته‌ای خائن که به بی‌عفتی جامعه دامن می‌زند شناخت و جلوی آن را گرفت.

آنهایی که می‌گویند اگـــر جمهـــوری اســـلامی روابـــط زن و مـــرد را آزاد بگـــذارد، مـــردم چشم و دل ســـیر می‌شوند و هیـــچ اتفـــاق بـــدی نمی‌افتد! برای اینکه با میزان چشم و دل سیری یک جامعه آزاد و پیشرفته به نام آمریکا آشنا شویم کافی است به وضعیت کشور آمریکا دقت کنیم:

- بنا بر گزارش بخش مبارزه با جرائـــم و موادمخدر سازمان ملل، نرخ تجـــاوز در آمریکا و کشـــورهای اســـکاندیناوی و غـــرب اروپـــا، بالاتر از دیگـــر نقاط جهان بوده است.
- طبـــق آمـــار منتشرشـــده توســـط مرکـــز ملـــی خشـــونت جنســـی در آمریکا ۱زن از هـــر ۵ زن در آمریکا تجربـــه مـــورد تجـــاوز یا در معرض تجاوز قرار گرفتن را داشته است. همچنین براساس این آمار، از هر ۴دختر، یک دختر و از هر ۶پسر، یک پسر، پیش از ۱۸سالگی، در معـــرض سوءاستفاده جنســـی قـــرار می‌گیرند.
- ۲۹,۹درصد از تجاوزات جنســـی بین سنین ۱۱ تا ۱۷سالگی قربانیان رخ می‌دهد.
- ۸۰درصـــد از تجاوزهـــای صـــورت گرفتـــه توســـط کســـانی بـــوده اســـت کـــه قربانیـــان آنهـــا را می‌شناخته‌اند.
- از هـــر ۵دانشـــجوی زن، یـــک نفـــر در طـــول دوران تحصیـــل خود، در معـــرض تعـــرض جنســـی قـــرار گرفتـــه اســـت. آزادی روابـــط جنســـی هیچ‌گاه و در هیـــچ جـــا منجـــر بـــه کاهـــش و یـــا کنتـــرل غریـــزه و روابـــط جنســـی نشـــده اســـت و وضعیـــت کنونـــی غـــرب گویـــای ایـــن موضـــوع اســـت. رونـــد آزادی روابـــط جنســـی در غـــرب باعـــث شـــد کـــه از روابـــط جنســـی قانونـــی در خانـــواده، بـــه همجنس بـــازی، تجـــاوز و رابطـــه بـــا محـــارم، حیوانـــات و... برســـند.
- احمدی رهبر شـــاخه ایرانی پ.ک.ک (پژاک) که شـــعار زن زندگی آزادی را ترویـــج کـــرد، بـــه دختـــرش تجـــاوز کـــرد و باعـــث خودکشـــی او شـــد. نمونه‌های تأسف‌بار روابـــط جنســـی رهبـــران ایـــن گروهـــک بـــا دختـــران عضـــو را در کتـــاب Future The and Kurds The Turky of اثـــر مایـــکل گونتـــر آمریکایـــی بخوانیـــد.
- منافقین نیـــز کـــه ایـــن روزهـــا ســـردمدار مطالبـــه آزادی زنان بود، کارنامه سیاهی در سوءاستفاده جنسی از دختران این فرقه توســـط مســـعود رجـــوی و رهبـــران آن دارد. بررسی آمار سقط‌جنین نیز که ناشی از روابط بی‌قیدوبند و همچنین افزایش تجاوز به عنف است گویای این ماجرا است.
- با وجود ممنوعیـــت سقط‌جنین در آمریکا تـــا ســـال ۱۹۷۳ ایـــن رقـــم بـــه ۶۰۰هزار ســـقط در ســـال رســـیده بـــود. پـــس از آزادی سقط‌جنین در ســـال ۱۹۷۳ و با وجود گســـترش قرص‌های ضدبارداری و بســـیاری از روش‌های مؤثرتـــر و پیشـــرفته‌تر پیشـــگیری از بـــارداری در دهـــه ۶۰میلادی، که دسترسی به آن حتی برای دختران کم سن و سال بدون اجازه والدین بسیار ارزان و آسان شد، انتظار می‌رفت که تعداد سقط‌جنین در همان سطحی که در سال ۱۹۷۳ بود باقی خواهد ماند. اما این رقم طی حـــدود ۱۰ سال، در سال ۱۹۸۵ نزدیک ۶.۱ میلیون سقط در سال رسید.